

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ریشه‌های نهادی خنثی‌سازی سیاسی اسلام کرا

مؤلف:

کوئین می‌کام

مترجمان:

دکتر علی اکبر کمالی اردکانی

سید خدایار مرتضوی اصل

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب



انشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: ریشه‌های نهادی خیزش سیاسی اسلام‌گرا

مؤلف: کوئین میکام

مترجمان: علی‌اکبر کمالی اردکانی و سید خدایار مرتضوی اصل

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

صفحه‌آرا: رضا عبداللهی بجنندی

طراح جلد: اعظم حسین‌زاده

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌برداری و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان چاپ اول: ۱۴۰۲

قیمت: ۲/۹۰۰/۰۰۰ ریال **شمارگان:** ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۱۳-۸

«این کتاب با کاغذ یارانه‌ای منتشر شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
سندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: میکام، کوئین

عنوان و نام پدیدآور: ریشه‌های نهادی خیزش سیاسی اسلام‌گرا / کوئین میکام؛ مترجمان: علی‌اکبر

کمالی اردکانی و سید خدایار مرتضوی اصل.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۴۲۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۱۳-۸

عنوان اصلی: Institutional Origins of Islamist Political Mobilization, 2017

موضوع: مشارکت سیاسی - کشورهای اسلامی

موضوع: اسلام و سیاست - کشورهای اسلامی

موضوع: کشورهای اسلامی - سیاست و حکومت

شناسه افزوده: کمالی اردکانی، علی‌اکبر، ۱۳۴۷ - مترجم

شناسه افزوده: مرتضوی اصل، سید خدایار، ۱۳۴۳ - مترجم

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

رده‌بندی کنگره: JQ ۱۸۵۲

رده‌بندی دیویی: ۳۲۳/۰۴۲۰۹۱۷۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۰۶۳۶۱

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر	۱۳
ریشه‌های نهادی خیزش سیاسی اسلام‌گرا	۱۵
قدردانی	۱۷
فهرست اختصارها	۱۹
مقدمه مترجمان	۲۱
مقدمه	۳۱
فصل اول: اسلام و خیزش سیاسی	۴۷
فصل دوم: از امر مقدس تا دولت	۸۵
فصل سوم: جغرافیای سیاسی امر مقدس	۱۳۷
فصل چهارم: تبیین خیزش اسلام‌گرای ضعیف	۱۸۷
فصل پنجم: رأی دادن به احزاب رفاه و فضیلت	۲۳۹
فصل ششم: هنگامی که اسلام سیاست‌ها را مشخص می‌کند	۳۱۱
نتیجه‌گیری	۳۵۵
ضمیمه	۳۷۳
پاورقی‌ها	۳۹۹
نمایه	۴۱۷

فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۳
ریشه‌های نهادی خیزش سیاسی اسلام‌گرا.....	۱۵
قدردانی.....	۱۷
فهرست اختصارها.....	۱۹
مقدمه مترجمان.....	۲۱
مقدمه.....	۳۱
فهرست منابع.....	۴۵
فصل اول: اسلام و خیزش سیاسی / خیزش سیاسی اسلام‌گرا چیست؟.....	۴۷
نظریه‌های خیزش.....	۵۶
نظریه‌های خیزش سیاسی اسلام‌گرا.....	۶۴
ارزیابی.....	۷۵
فهرست منابع.....	۷۸
فصل دوم: از امر مقدس تا دولت / نظریه خیزش اسلام‌گرا.....	۸۵
کنش‌گران کلیدی و مفروض‌ها.....	۸۸
فرایند خیزش.....	۹۵
مبانی ساختاری پیشگامی مذهبی.....	۱۰۵
منابع نهادی اولویت‌های اسلامی و انتظاراتها.....	۱۱۲
نقش نقاط عطف دولتی.....	۱۲۳
جمع‌بندی.....	۱۳۰
فهرست منابع.....	۱۳۴

فصل سوم: جغرافیای سیاسی امر مقدس / تنوع در خیزش سیاسی اسلام‌گرا در طول زمان و مکان	۱۳۷
الگوهای خیزش در طول مکان.....	۱۳۸
الگوهای خیزش در طول زمان.....	۱۵۵
ارتباطات خیزش اسلام‌گرا.....	۱۶۲
خلاصه.....	۱۸۱
فهرست منابع.....	۱۸۶
فصل چهارم: تبیین خیزش اسلام‌گرای ضعیف / مسلمانان و سیاست در سنگال.....	۱۸۷
اسلام در بستر سنگال.....	۱۹۰
خیزش سیاسی و مذهبی در سنگال مستقل.....	۱۹۸
سلسله‌مراتب متعدد: نقش نهادهای اسلامی در دستاوردهای خیزش.....	۲۱۰
«علاقه پنهان» صوفی‌ها: انگیزه‌ها و ضد انگیزه‌ها برای خیزش اسلام‌گراها... ..	۲۱۷
در جستجوی نقاط عطف: بحران خارجی و مردم‌سالاری‌سازی طولانی.....	۲۲۴
استثناگرایی سنگالی؟ یک نگاه اجمالی به مالی.....	۲۲۸
جمع‌بندی.....	۲۳۳
فهرست منابع.....	۲۳۶
فصل پنجم: رأی دادن به احزاب رفاه و فضیلت / خیزش انتخاباتی اسلام‌گرا در ترکیه .	۲۳۹
مقدمه.....	۲۳۹
اسلام سیاسی در ترکیه.....	۲۴۴
تغییرها در نتایج خیزش.....	۲۶۳
زمینه‌های نهادی برای پیشگامی.....	۲۷۲
رشد نهادهای اسلامی.....	۲۷۸
رویدادهای دولتی به عنوان نقاط عطف.....	۲۸۶
اسلام‌گراها و دولت.....	۲۹۵
جمع‌بندی.....	۳۰۰
فهرست منابع.....	۳۰۴

فصل ششم: هنگامی که اسلام سیاست‌ها را مشخص می‌کند / از رأی دادن تا خشونت در الجزایر.....	۳۱۱
خیزش سیاسی اسلام‌گرا در الجزایر.....	۳۱۵
بازیگران اصلی در خیزش اسلام‌گرایانه الجزایر.....	۳۲۷
تنوع در خیزش اسلام‌گرای الجزایری.....	۳۳۲
منابع موفقیت اسلام‌گراها.....	۳۳۷
از رأی دادن تا خشونت.....	۳۴۸
جمع‌بندی.....	۳۵۱
فهرست منابع.....	۳۵۲
نتیجه‌گیری.....	۳۵۵
ریشه‌های نهادی خیزش اسلام‌گرا.....	۳۵۵
فهرست منابع.....	۳۷۲
ضمیمه.....	۳۷۳
خیزش اسلام‌گرا در قیام‌های عربی.....	۳۷۳
اعتراض.....	۳۷۶
خیزش انتخاباتی.....	۳۸۱
خشونت سیاسی.....	۳۸۷
فهرست منابع.....	۳۹۴
ضمیمه یک.....	۳۹۵
ضمیمه دوم.....	۳۹۶
ضمیمه سوم.....	۳۹۷
پاورقی‌ها.....	۳۹۹
مقدمه.....	۳۹۹
فصل اول: اسلام و خیزش سیاسی.....	۴۰۰
فصل دوم: از امر مقدس تا دولت.....	۴۰۲

۴۰۶	فصل سوم: جغرافیای سیاسی امر مقدس
۴۰۹	فصل چهارم: تبیین خیزش اسلام‌گرای ضعیف
۴۱۲	فصل پنجم: رأی دادن به احزاب رفاه و فضیلت
۴۱۴	فصل ششم: هنگامی که اسلام سیاست‌ها را مشخص می‌کند
۴۱۵	نتیجه‌گیری
۴۱۵	ضمیمه
۴۱۷	نمایه

فهرست شکل‌ها

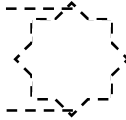
- شکل ۱-۱: حوزه‌های خیزش ۵۳
- شکل ۱-۲: اولویت‌های اسلام‌گرایانه از لحاظ نوع و شدت متغیر هستند ۸۹
- شکل ۲-۲: بازیگران اصلی و تصمیم‌گیری درباره خیزش اسلام‌گرا ۱۰۴
- شکل ۳-۲: شرایط نهادی که خیزش اسلام‌گرا را فعال می‌کند ۱۳۳
- شکل ۱-۳: خیزش سیاسی اسلام‌گرا ۱۹۷۰-۲۰۱۰ ۱۵۳
- شکل ۲-۳: تعداد کشورهای دارای خیزش سیاسی اسلام‌گرا ۱۹۷۰-۲۰۰۹ ۱۶۰
- شکل ۳-۳: میانگین شدت خیزش سیاسی اسلام‌گرا ۱۹۷۰-۲۰۱۰ ۱۶۱
- شکل ۴-۳: شاخص توسعه انسانی و خیزش اسلام‌گرا ۱۶۵
- شکل ۵-۳: تاریخ اسلامی داشتن و خیزش ۱۷۲
- شکل ۱-۵: میانگین آراء استانی به احزاب اسلام‌گرا در هر منطقه ۱۹۷۰-۲۰۰۰ ۲۶۸
- شکل ۲-۵: میانگین آراء به احزاب اسلام‌گرا در هر استان ۱۹۷۰-۲۰۰۰ ۲۶۸
- شکل ۳-۵: درصد ثبت نام در دبیرستان‌های مذهبی ۲۸۳
- شکل ۴-۵: درصد کتاب‌های مذهبی از کل کتاب‌ها ۲۸۴
- شکل ۵-۵: درصد نشریه‌های مذهبی از کل نشریه‌ها ۲۸۵
- شکل ۶-۵: درصد تغییر در شاخص نرخ مصرف‌کننده (استانبول) ۲۹۱

فهرست جدول‌ها

جدول ۱-۱: گونه‌شناسی جنبش‌های اسلامی.....	۵۱
جدول ۱-۳: حکومت‌های با جمعیت مسلمان بالای ۲۵ درصد.....	۱۳۹
جدول ۲-۳: جغرافیای خشونت اسلام‌گرا ۱۹۷۰-۲۰۱۰.....	۱۴۰
جدول ۳-۳: جغرافیای اعتراض اسلام‌گرا ۱۹۷۰-۲۰۱۰.....	۱۴۵
جدول ۴-۳: امتیاز میانگین خانه آزادی ۱۹۷۰-۲۰۱۰؛ نسبتاً آزاد.....	۱۴۷
جدول ۵-۳: جغرافیای رأی دادن اسلام‌گراها ۱۹۷۰-۲۰۱۰.....	۱۴۹
جدول ۶-۳: امتیازها عامل خیزش اسلام‌گرا در هر کشور ۱۹۷۰-۲۰۱۰.....	۱۵۴
جدول ۷-۳: تغییرها در امتیازهای ترتیبی خیزش بین دوره‌های ۱۹۷۰-۱۹۹۹ و ۲۰۰۰-۲۰۰۹ در هر کشور.....	۱۶۲
جدول ۸-۳: خلاصه‌ای از عوامل همبستگی با جنبش اسلام‌گرا.....	۱۸۵
جدول ۱-۵: دستاوردهای انتخاباتی احزاب اسلام‌گرای ترکیه از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۳.....	۲۶۳
جدول ۲-۵: همبستگی استانی با آراء اسلام‌گرایان در ترکیه.....	۲۷۲
جدول ضمیمه (۱): حاصل جمع امتیازهای ترتیبی خیزش اسلام‌گرا در هر کشور ۱۹۷۰-۲۰۱۰.....	۳۹۵
جدول ضمیمه (۲): تحلیل رگرسیون میانگین میزان خیزش اسلام‌گرا ۱۹۷۰-۲۰۱۰.....	۳۹۶
جدول ضمیمه (۳): تحلیل رگرسیون پنلی خیزش اسلام‌گرا ۱۹۷۰-۲۰۱۰.....	۳۹۷

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

ازاین حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آن هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی

جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشان‌ی را بدون توانایی‌های علمی-پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی-کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام-ضمن‌قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند- درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله‌الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

ریشه‌های نهادی خیزش سیاسی اسلام‌گرا

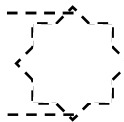
کشورهای اسلامی طیف بسیار گسترده و متنوعی از سطوح خیزش سیاسی اسلام‌گرا مشتمل بر فعالیت‌های سیاسی نظیر اعتراض، رأی دادن و خشونت را تجربه می‌کنند. کتاب *ریشه‌های نهادی خیزش سیاسی اسلام‌گرا*، نظریه‌ای نهادی در باب ریشه‌های سیاست اسلام‌گرایانه ارائه می‌دهد که برگسترش شناخت مشترک مذهبی، پیشگامی مذهبی و وقوع نقاط عطف به عنوان اموری ضروری برای موفقیت کنش‌گری اسلام‌گراها متمرکز می‌شود. این کتاب با بررسی سیاست اسلام‌گرا در بیش از پنجاه کشور در طول چهار دهه، نشان می‌دهد که تنوع فراوان کنش‌گری سیاسی اسلام‌گراها در انواع خاصی از زمینه‌های نهادی متجلی می‌شود. تفصیل جزئیات مطالعه موردی ترکیه، الجزایر و سنگال، نشان می‌دهد که چگونه زمینه‌های متفاوت منجر به انواع مختلف سیاست اسلام‌گرا در سراسر جهان اسلام شده است.

کوئین میکام استاد علوم سیاسی دانشگاه بریگام است. پژوهش‌های او در حوزه‌های اسلام سیاسی، سیاست هویت، مبارزه‌های مدنی، رفتارهای انتخاباتی و توسعه مردم‌سالارانه متمرکز شده است. *احزاب اسلام‌گرا و هنجارسازی سیاست اسلامی* دیگر اثر مهم مشترک کوئین میکام و جولی چرناوهانگ است که سه سال قبل از این اثر، یعنی در سال ۲۰۱۴ انتشار یافته است؛ به علاوه، مقاله‌های پژوهشی متعددی از ایشان در مجله‌های علمی معتبر جهانی انتشار یافته است که در باب موضوع‌هایی همچون اپوزوسیون در نظام‌های اقتدارگرا، رفتارهای انتخاباتی اسلام‌گرایانه و

جنبش‌های اعتراضی تمرکز داشته‌اند. وی در کالج میدلبری^۱ و دانشگاه جورج واشینگتن نیز تدریس کرده است؛ همچنین، او پژوهشگر علمی در دانشگاه هاروارد بود و به‌عنوان همکار فرانکلین^۲ در ستاد برنامه ریزی سیاست وزارت امور خارجه ایالات متحده خدمت می‌کرد.

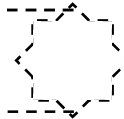
1. Middlebury College
2. Franklin Fellow

قدردانی



اشخاص بسیاری وقت و اندیشه‌های خود را به این طرح اختصاص داده‌اند، بسیار بیشتر از آن چیزی که من بتوانم به تنهایی نام ببرم؛ از جمله دانشمندان و مربیانی مانند دیوید آبرنتی، لری دایموند، دیوید لایتین، جیم فیرون، داگ مک‌آدام، عبدالقادر سینو، دیوید پاتل، اوا بلین، خورخه دومینگز و بسیاری دیگر. من همچنین از دستیاران پژوهشی بزرگی در طول این سال‌ها سپاسگزارم؛ از جمله تد السورث، جیمز فالون، آبه کاتز، رونان مک‌گی، تورال پاتل، ویل ون هوولن، جاستین کورتیس، امیلی شیلد، جاشوا بالک و نیک هافن. سازمان‌های بسیاری، توصیه‌ها، فرصت‌ها و گاهی اوقات محل سکونت ارائه کردند که این امکان را برای من فراهم کرد تا تحقیقات این مطالعه را تکمیل کنم و من از آن‌ها تشکر فراوان دارم. شامل مرکز امنیت و همکاری بین‌المللی در دانشگاه استنفورد؛ آکادمی هاروارد برای مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای؛ کمیسیون فولبرایت ایالات متحده در آنکارا، ترکیه؛ مرکز تحقیقات غرب آفریقا در داکار، سنگال؛ دانشگاه بیلکنت در آنکارا، ترکیه؛ بنیاد مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه؛ مؤسسه جهان عرب در پاریس، فرانسه؛ مؤسسه مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جورج واشینگتن؛ کالج میدلبری و دانشگاه بریگام یانگ. بیشتر از همه، از پدر و مادرم سپاسگزارم به خاطر الهام گرفتن و حمایتشان و از همسر ماری به خاطر مشارکت در این روند، سفرها، خطاها و همه چیز.

فهرست اختصارها



AIS	ارتش نجات اسلامی، الجزایر
AKP/PJD	حزب عدالت و توسعه، ترکیه
AMUPI	انجمن کشور مالی برای اتحاد و پیشرفت اسلام
ANAP	حزب مام میهن، ترکیه
APR	حزب اتحاد برای جمهوری، سنگال
BDS	حزب بلاک دموکراتیک سنگالی
CERID	مرکز مطالعات، تحقیق و توسعه اسلامی سنگال
CHP	حزب خلق جمهوری خواه آتاتورک، ترکیه
CIRCOFS	کمیته اسلامی برای اصلاحات قانون خانوادگی در سنگال
DP	حزب دموکراتیک، ترکیه
DYP	حزب راه حقیقت، ترکیه
FAIS	فدراسیون انجمن های اسلامی سنگال
FFS	جبهه نیروهای سوسیالیست، الجزایر
FIS	جبهه نجات اسلامی، الجزایر
FJP	حزب آزادی و عدالت، مصر
FLN	جبهه آزادی بخش ملی الجزایر
FSD	حزب پیشروی سوسیالیسم و دموکراسی سنگال

GIA	ارتش اسلامی، الجزایر
GSPC	جماعت الدعوه و القتال، الجزایر
HADEP	حزب دموکرات خلق کردستان، ترکیه
HAMAS	جنبش مقاومت اسلامی، فلسطین
IBDA-C	مبارزان جبهه اسلامی شرق بزرگ، ترکیه
MIA	جنبش مسلح اسلامی، الجزایر
MHP	حزب اقدام ملی، ترکیه
MSP	جنبش جامع صلح، الجزایر
MUSIAD	اتحادیه تاجران مسلمان، ترکیه
NOP	حزب نظام ملی، ترکیه
NSP	حزب سلامت ملی، ترکیه
PKK	حزب کارگران کردستان
PDS	حزب دموکراتیک سنگال
PSS	حزب سنگال متحد
RND	تجمع ملی دموکراسی، الجزایر
RNS	جبهه نجات ملی، سنگال
RPP	حزب خلق جمهوری آتاتورک، ترکیه
SP	حزب سعادت، ترکیه
TUSIAD	انجمن بازرگانان و صنعتگران برجسته ترکیه
UCM	اتحادیه فرهنگی مسلمانان سنگال
UPS	اتحادیه پیشرفت سنگال

مقدمه مترجمان



ریشه‌های نهادی خیزش سیاسی اسلام‌گرا اثر کوئین می‌کام^۱ استاد علوم سیاسی دانشگاه بریگام است که در سال ۲۰۱۷ میلادی از سوی انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شده است. اسلام سیاسی، سیاست هویت، مبارزه‌های مدنی، رفتارهای انتخاباتی و توسعه مردم‌سالارانه از جمله مقوله‌های یا حوزه‌های مطالعاتی است که می‌کام پژوهش‌های سیاسی خویش را در باب آن‌ها متمرکز کرده است. احزاب اسلام‌گرا و هنجارسازی سیاست اسلامی^۲ دیگر اثر مهم مشترک کوئین می‌کام و جولی چرناوهانگ^۳ است که سه سال قبل از این اثر، یعنی در سال ۲۰۱۴ انتشار یافته است؛ به علاوه، مقاله‌های پژوهشی متعددی از ایشان در مجله‌های علمی معتبر جهانی انتشار یافته است که در باب موضوع‌هایی همچون اپوزوسیون در نظام‌های اقتدارگرا، رفتارهای انتخاباتی اسلام‌گرایانه و جنبش‌های اعتراضی تمرکز داشته‌اند؛ همچنین، وی در کالج میدلبری^۴ و دانشگاه جورج واشینگتن^۵ تدریس کرده و در دانشگاه هاروارد به عنوان پژوهشگری علمی همکاری و فعالیت داشته است.

باین حال، اثر حاضر مهم‌ترین اثر علمی وی در حوزه مطالعات جهان اسلام به شمار می‌آید که در نوع خود و در میان آثار این حوزه مطالعاتی اثری رایج و کم‌نظیر محسوب می‌شود. مباحث نظری و روش‌شناختی متقن و اطلاعات گسترده و عمیق از کشورهای

-
1. Quinn Mecham
 2. *Islamist Parties and the Normalization of Muslim Politics*
 3. Julie Chernov Hwang
 4. Middlebury College
 5. George Washington University

گوناگون جهان اسلام توأم با مشاهده‌های میدانی از ویژگی‌های بارز این اثر است که در جای جای مباحث آن مشهود و مبرهن است. این اثر از یک مقدمه، شش فصل و نتیجه‌گیری به انضمام مبحثی تحت عنوان «خیزش اسلام‌گرایی در بهار عربی» تشکیل شده است. فصول اول تا سوم بیشتر به مباحث نظری و روش‌شناختی با تأکید بر «نهادگرایی» اختصاص یافته و فصول چهارم تا ششم به تفصیل خیزش اسلام‌گرایی در سه کشور مسلمان سنگال، ترکیه و الجزایر را بحث و بررسی کرده است؛ به بیان دیگر، نیمی از کتاب به روش‌شناسی و چهارچوب نظری و نیمی دیگر به کاربردی آن در ۳ کشور مشخص پرداخته است و این خود نمونه‌ای است مثال‌زدنی از یک کار پژوهشی روشمند که علاوه بر کسب اطلاعات محتوایی و درونمایه غنی آن، می‌تواند از لحاظ پژوهشی الگوی مناسبی برای استفاده پژوهشگران و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی کشورمان قرار گیرد؛ البته، بررسی‌های تفصیلی این اثر هرگز محدود و منحصر به ۳ کشور مزبور نیست بلکه به قول نویسنده، ۵۷ مجموعه سیاسی مورد توجه و بررسی وی بوده است که در حال حاضر از این تعداد ۵۵ کشور مستقل در نظام جهانی حضور دارند؛ اما با وجود این، نقطه تمرکز مکانی و جغرافیایی وی سه کشور فوق بوده است، همچنان که نقطه تمرکز زمانی او نیز چهار دهه از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ را در برمی‌گیرد. یکی از معیار و ملاک‌های می‌کام برای بررسی خیزش اسلام‌گرایی در کشورهای گوناگون معیاری است جمعیتی و شامل کشورهایی است که دست کم ۲۵ درصد جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل دهند؛ بنابراین، کشورهای با جمعیت نسبتاً کوچک مسلمان از حیثه این بررسی کنار گذاشته شدند.

بنا به تصریح نویسنده، این کتاب با دو هدف تألیف شده است: اول، ارائه توصیفی دقیق از دامنه خیزش‌های اسلام‌گرا (خیزش‌های مذهبی - سیاسی) در سراسر جهان اسلام و دوم، ارائه مبنایی عام‌تر جهت پردازش نظریه‌ای درباره ریشه‌ها و منابع خیزش‌های سیاسی اسلام‌گرا؛ همچنین، به بیان وی این اثر می‌کوشد انواع خیزش‌های اسلام‌گرا را با پاسخ دادن به دو سؤال عمده، تبیین کند: اول، بر اساس چه عواملی می‌توان سطوح متفاوت و انواع خیزش‌های سیاسی اسلام‌گرا در میان کشورهای مسلمان را تشریح نمود؟

دوم، بر پایه چه عواملی می‌توان سطوح متفاوت و انواع خیزش‌های سیاسی اسلام‌گرا در يك کشور مسلمان را در طول زمان تبیین کرد؟ وی برای پاسخ به این سؤال‌ها نظریه‌های رقیب در مورد خیزش‌های اسلام‌گرا را بررسی کرده و نظریه‌ای جدید با عنوان «نظریه نهادی»^۱ ارائه داده و بر این باور است که این نظریه می‌تواند بخش مهمی از تغییر و تحولات سیاسی کشورهای مسلمان در دهه‌های اخیر را (اگرچه یقیناً نه همه را) توضیح دهد. به زعم وی، هر چند يك اثر نمی‌تواند به طور جامع همه ادعاهای مطرح شده به وسیله طیف وسیعی از نظریه‌های رقیب را بررسی کند؛ اما در اینجا هدف ارزیابی دلالت‌های قابل مشاهده در ادعاهای رقیب از طریق تحلیل مقایسه‌ای است و در این روند، چشم‌اندازی نظری ارائه شده که هم استدلال‌های نظری قبلی را یکپارچه می‌سازد و هم استدلال‌هایی را که در میان طیفی از نمونه‌ها تأیید اندکی دارند، مورد چالش قرار دهد.

انتخاب ۳ کشور سنگال، ترکیه و الجزایر به عنوان نمونه به دلایل زیر صورت گرفته است: اول اینکه آن‌ها طیف متنوعی از خیزش سیاسی اسلام‌گرا را نشان می‌دهند که در یک سر این طیف الجزایر با بالاترین و شدیدترین میزان خیزش‌ها و در سردیگر آن سنگال با پایین‌ترین و کمترین میزان خیزش قرار دارد و ترکیه نیز در حد وسط این طیف جای می‌گیرد. به بیان نویسنده، الجزایر در اواخر دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ نمونه‌ای از خیزش اسلام‌گرای بسیار شدید را به نمایش می‌گذارد، ترکیه در دهه ۱۹۷۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰، نمایانگر نمونه‌ای از خیزش در سطح متوسط است و سنگال بیانگر نمونه‌ای از خیزش اسلام‌گرای سطح پایین از هنگام استقلال این کشور است. دوم اینکه این نمونه‌ها نمایانگر تغییر و تنوع قابل ملاحظه در متغیرهای تبیینی، هم در نظریه‌های موجود و هم در نظریه نهادی ارائه شده در این اثر می‌باشند. این متغیرها شامل سطوح متفاوت توسعه اقتصادی، پیشینه قومی و زبانی، تجربه‌های استعماری، تجربه‌های تاریخی اسلامی، انواع نهادهای اسلامی، سطوح شهرنشینی، میزان فضای باز سیاسی، انواع نهادهای سیاسی و میزان ثبات حکومت است. سوم اینکه علی‌رغم این اختلاف‌ها، این سه نمونه چندین اشتراك مهم دارند که از جمله می‌توان به جمعیت مسلمان غالب، روابط گسترده با غرب

غیرمسلمان، سنت‌های دولت سکولار و تجربه سیاست‌های انتخاباتی اشاره کرد. در نظریه نهادی می‌کام که در این اثر ارائه شده، استدلال اصلی حول محور سه عامل یا سه متغیر تبیینی می‌چرخد و وجود هر کدام از این عوامل سه‌گانه برای وقوع خیزش اسلام‌گرا شرط لازم و ضروری است و هنگامی که این سه عامل با هم و یک‌جا پدید آیند، به احتمال زیاد منجر به وقوع خیزش می‌شوند.

اولین عامل تکوین و توسعه شناخت مشترک اسلامی است که از طریق نفوذ اجتماعی نهادهای دینی ایجاد می‌شود. عامل دوم، ایجاد فرصت‌هایی برای پیشگامان مذهبی است که بتوانند در مقابل دولت قد علم کرده و آن را به چالش و مبارزه بکشانند و بالاخره سومین عامل، ایجاد نقاط عطف یا نقاط کانونی در سطح دولت است که پیشگامان مذهبی با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توانند شناخت مشترک اسلامی را به سوی کنش جمعی سوق دهند. ترکیب این سه عامل به مثابه شرط کافی امکان وقوع خیزش اسلام‌گرا را میسر می‌سازد و در این میان پیشگامان مذهبی نقشی کلیدی و تعیین‌کننده دارند، هم در تکوین شناخت مشترک اسلامی و هم در هدایت آن به سمت کنش جمعی سیاسی. چنانچه پیشگامان مذهبی به هنگام پدید آمدن بحران‌هایی در سطح دولت، از دولت فاصله داشته و جذب دیوان‌سالاری یا دیگر نهادهای دولتی و یا آلوده به رانت‌های آن‌ها نشده باشند، می‌توانند با سیاسی کردن اسلام و الحاق شناخت مشترک اسلامی به فعالیت‌های سیاسی، رهبری و سکانداری خیزش اسلام‌گرایی را برعهده گیرند و هزینه‌های کنش جمعی را تا حد بسیار زیادی تقلیل داده و روند و سرعت خیزش را دوچندان سازند.

در طی این روند و در شرایطی که دولت با بحران‌هایی همچون بحران نظم، عدالت و ثبات سیاسی مواجه است و یا در شرایطی که آزادسازی سیاسی توسط دولت اقتدارگرای حاکم رخ دهد، ارزش‌های اسلامی می‌توانند پشتوانه فعالیت‌های سیاسی واقع شوند و در تعامل با ترتیبات نهادی و دگرگونی اوضاع و احوال حاکم است که شناخت مشترک اسلامی، فرصت‌هایی استثنایی برای پیشگامی مذهبی جهت هدایت اعتراض‌ها به سمت چهارچوبی اسلام‌گرا مهیا می‌کند.

خیزش سیاسی اسلام‌گرا می‌تواند در اشکال و تجلیات متنوعی ظاهر شود؛ شرکت در انتخابات (ورأی دادن به احزاب و تشکل‌های اسلام‌گرا و یا به نامزدهای مسلمان)، شرکت در تظاهرات خیابانی و به‌کارگیری شیوه‌های خشونت‌آمیز سیاسی سه شکل عمده خیزش سیاسی اسلام‌گرا به‌شمار می‌آیند که در این اثر به تفصیل بحث و بررسی شده‌اند؛ همچنین، چگونگی گذر از یک شکل خیزش به شکل یا اشکال دیگر آن به‌طور خاص در ۳ کشور سنگال، ترکیه و الجزایر مورد توجه این اثر بوده است. از سوی دیگر، در این نظریه نهادی، برای خیزش سیاسی اسلام‌گرا چهار دسته عامل یا کنش‌گر مفروض انگاشته شده است که تصمیم‌های آن‌ها بر نوع خیزش و چگونگی وقوع آن و نیز بر ابعاد و نتایج و پیامدهای آن تأثیرگذار است: پیشگامان مذهبی، روحانیون برگزیده یا نخبگان روحانی، دولت و شهروندان مسلمان. روند خیزش با پیشگامان آغاز می‌شود و آن زمانی است که تصمیم می‌گیرند برای به‌پا خاستن دیگران عملاً تلاش کنند و این روند در صورت عدم مخالفت یا کارشکنی روحانیون برگزیده و نیز رخ دادن بحران‌های دولتی به‌عنوان نقاط عطف و آزادسازی فضای سیاسی در یک نظام اقتدارگرا تسریع و تشدید می‌شود و با گسترش شناخت مشترک اسلامی و متقاعد شدن افراد مسلمان از احتمال پیروزی خیزش و یا کاهش هزینه‌های شرکت در آن به سرانجام می‌رسد. شرح هر کدام از این عوامل و دیگر شرایط نهادی در متن اثر به‌طور مفصل و با ذکر جزئیات آمده است.

در این اثر، نظریه نهادی صرفاً بر زمینه و تاریخ اسلامی متمرکز است و تنها خیزش‌های سیاسی اسلام‌گرایانه را تبیین کرده و الگوهای تعامل میان پیشگامان مذهبی و روحانیون برگزیده، انواع نهاد‌های مذهبی، ماهیت شناخت مشترک و ظرفیت واکنش به بحران‌ها و نقاط عطف دولتی را بر پایه تاریخ اسلام و بستر جوامع مسلمان فهم و تحلیل نموده است؛ البته، میکام در پردازش نظریه نهادی از دستاوردهای سایر نظریه‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی استفاده می‌کند؛ ولی در عین حال به دلیل آنکه از جهات بسیاری متفاوت و متمایز آنهاست بر این تفاوت‌ها نیز تصریح و تأکید می‌کند؛ برای مثال، در حالی که در نظریه‌های عقل‌گرا یا الگوهای عقلانی رفتار سیاسی تأکید اصلی بر تصمیم‌گیری‌های فردی و محاسبه سود و زیان مشارکت در خیزش از سوی افراد است،

نظریه نهادی اساساً متکی و مبتنی برزمینه‌ها و عوامل نهادی استوار است و نه صرفاً کنش‌گران فردی. از منظر نظریه نهادی، کنش‌گرفردی یا همان شهروند مسلمان تنها یک عامل محسوب می‌شود و نه بیشتر.

توضیح‌های مفصل و مکفی نویسنده در مقدمه نسبتاً طولانی کتاب در باب محتوای فصول ما را از ارائه توضیح‌های بیشتری نیاز می‌کند. در اینجا، لازم است در خصوص چگونگی ترجمه و مشکلات مربوط به معادل‌سازی برخی واژگان توضیح‌هایی داده شود؛ اما قبل از ورود به این بحث ضرورت دارد درباره محتوای قسمت ضمیمه کتاب اشاره مختصری صورت گیرد. در قسمت ضمیمه، الگوهای خیزش اسلام‌گرا در جهان عرب در پی شورش‌های عربی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ بحث می‌شود که در آن به‌طور کوتاه و مختصر دلایل تأخیر اسلام‌گراها در ورود به مبارزه انقلابی در کشورهایی چون تونس، مصر و نحوه ورود و عاقبت متفاوت آن‌ها در پی درگیری با دولت مرور شده است؛ همچنین، در این قسمت موفقیت انتخاباتی برجسته اسلام‌گراها در تونس، مصر و مراکش در دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و نیز الگوهای بعدی سرکوب دولت و روندهای پیدایش خشونت اسلام‌گرا بررسی شده است.

در این ترجمه اصل بر رعایت امانتداری و وفاداری به نسخه اصلی اثر بوده و سعی بر آن بود که تا آنجا که ممکن است از تفسیر به رأی متن و به اصطلاح از «ترجمه آزاد» خودداری شود؛ ولی این وفاداری به متن تا جایی بود که برگردان مطالب برای خواننده فارسی‌زبان نامفهوم و نامأنوس نباشد بلکه تمام سعی و تلاش بر این بود مضمون و بار معنایی واژگان و عبارات‌ها به‌گونه‌ای روان و شیوا به خواننده منتقل شود و خواننده بتواند به سادگی و سهولت با متن ارتباط برقرار کند؛ در این راستا، یکی از مشکلات اصلی در سراسر متن یافتن معادل مناسب برای برخی واژگان، خصوصاً برای واژگانی بود که معنایی مرتبط و نزدیک به هم دارند.

واژگانی مثل دولت، حکومت، کشور و سرزمین از جمله چنین واژگانی است که هم در زبان و ادبیات فارسی و هم در سایر زبان‌ها بعضاً به‌طور مترادف و به‌جای هم به‌کار می‌روند. برخی نویسندگان و مترجمان ایرانی از چنین آشفتگی‌های معنایی در روند

ترجمه متون و معادل‌یابی فارسی برای واژگان بیگانه، تعبیر به «آشفستگی مفهومی» یا «اغتشاش فکری» کرده‌اند و از آنجا که در کشور ما مرجع علمی مشخص و یا مرکز پژوهشی خاصی برای یک دست‌سازی و معادل‌یابی همسان واژگان خارجی وجود ندارد و یا مراکزی که هستند به هر دلیلی نتوانستند مرجعیت و حجیت علمی لازم را برای مترجمان ایجاد کنند، همچنان شاهد گزینش معادل‌های گوناگون برای واژگان واحد هستیم، گزینش‌هایی که عمدتاً از سطح فهم و درک متفاوت مترجمان مختلف و ذوق و سلیقه شخصی آن‌ها ناشی می‌شود؛ به علاوه، باید به تفاوت میان رشته‌های علمی گوناگون و ضعف مطالعات میان‌رشته‌ای در کشور و نیز مشکل دستیابی به زبان مشترک در میان جامعه علمی اشاره کرد که پیامدهای آن در حوزه ترجمه مشهود است.

علی‌ای حال، به کار بردن معانی مختلف برای این گونه واژگان و یا مترادف فرض کردن آن‌ها نه فقط در زبان عامیانه و محاوره‌های روزمره بلکه حتی در برخی متون تخصصی نیز قابل مشاهده است؛ البته، این مشکل مختص زبان فارسی و یا فرهنگ ایرانی نیست بلکه در دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها نیز پاره‌ای از این دست مشکلات ملاحظه می‌شود، هر چند به نظر می‌رسد در زبان فارسی این مشکل مضاعف و دوچندان است. اثر حاضر نیز به هیچ وجه از این مشکل مبری و مستثنی نبوده و هر کدام از این واژگان در قسمت‌های مختلف آن به معنایی متفاوت و یا به صورت مترادف به کار رفته است و گویی نویسنده خود را مقید و موظف به رعایت تفکیک دقیق مرز مفهومی و معنایی این واژگان ندانسته است، به گونه‌ای که اختصاص یک معادل واحد برای یک واژه معین در سراسر متن کار دشواری بوده است؛ برای مثال، معادل واژه State، اصطلاح «دولت» و معادل واژه Government اصطلاح «حکومت» در نظر گرفته شد و تلاش بر این بود که در کل متن این معادل‌سازی به طور دقیق رعایت شود؛ ولی با عبارت‌هایی در متن مواجه می‌شدیم که با توجه به سبک و سیاق جمله‌ها و یا معنا و مفاد عبارت‌های مورد بحث ناگزیر به استفاده از این اصطلاح‌ها به جای یکدیگر می‌شدیم؛ همچنین، برای معادل واژه Politics و Polities اصطلاح «سیاست» یا «سیاست‌ها» به کار رفته است؛ ولی همین واژگان در جاهایی از متن به معنای «کشور» استفاده شده بود و حال آنکه اصطلاح «کشور» معادل

انتخابی واژه Country در نظر گرفته شده بود. درهمین ارتباط، واژگان ترکیبی Muslim Politics به معنای «سیاست اسلامی» ترجمه شده است؛ ولی گاهی بر مبنای موضوع مورد بحث و نوع عبارت‌ها و جمله‌های خاص از معادل‌های «سیاست مسلمانان» یا «سیاست در جهان اسلام» نیز استفاده شده است. واژه Variation نیز از واژگان پرتکرار در این اثر است که اصطلاح «تنوع» به عنوان معادل آن برگزیده شد؛ ولی در برخی جاها معادل یا معنای «تغییر» مناسب‌تر از «تنوع» تشخیص داده و به کار گرفته می‌شد. واژه بسیار پرتکرار دیگر در این اثر واژه Context بود که در قسمت‌های گوناگون متن و متناسب با موضوع و بحث هر قسمت دست کم چهار معادل فارسی «زمینه»، «شرایط»، «چهارچوب» و «بستر» برای آن به کار رفته است که البته از همه بیشتر اصطلاح «زمینه» استفاده شده است.

از همه مهم‌تر و شاخص‌تر واژه Mobilization است که علاوه بر اینکه در عنوان کلی این اثر به کار رفته است، در کل مباحث متن جنبه کلیدی و محوری دارد. در اینجا، اصطلاح «خیزش» به عنوان معادل اصلی این واژه برگزیده و ترجیح داده شد؛ ولی در برخی مواقع به جای خیزش از اصطلاح «بسیج» استفاده شده است. برای واژه Knowledge (که در عبارت Islamic Common Knowledge زیاد تکرار شده است) معادل «شناخت» انتخاب شد (و آن عبارت نیز «شناخت مشترک اسلامی» ترجمه شده است) ولی در مواقعی هرچند بسیار اندک و استثنایی هم اصطلاح «معرفت» به کار رفته است.

دو واژه اساسی دیگر یعنی Institution و Organization که در متن در مواردی به صورت مترادف به کار رفتند به ترتیب به معنای «نهاد» و «سازمان» ترجمه شدند. واژه‌های Action و Activism به ترتیب به «کنش» و «کنش‌گرایی» ترجمه شدند، هرچند در مواردی نادر و برحسب ضرورت از معادل‌های «اقدام» و «عمل» یا «عمل‌گرایی» نیز استفاده شد (بر همین منوال Activism Political به «کنش‌گرایی سیاسی» ترجمه شد؛ ولی Actor گاهی به معنای «کنش‌گر» و گاهی «بازیگر» و گاهی هم استثنائاً «عامل»). بالاخره، برای معادل واژگان Entrepreneurship و Entrepreneurs به ترتیب از «پیشگامی» و «پیشگامان» و نیز جهت معادل واژگان ترکیبی Focal Points از دو اصطلاح «نقاط عطف» و «نقاط کانونی»

به تناسب بحث استفاده شده است.

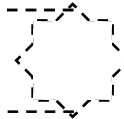
در پایان، خاطرنشان می‌شود که ترجمه اثر به معنای تأیید مفاد آن و یا موافقت با مطالب و مدعاهای نویسنده اثر نیست و بدیهی است که در این خصوص مسئولیتی متوجه مترجمان نخواهد بود؛ در واقع با رعایت دقیق اصل امانتداری تمام مطالب کتاب بی‌کم‌وکاست ترجمه و فهرست منابع آخر هر فصل کتاب هم به شکل افست آمده است. فقط تعداد اندکی از پاورقی‌ها که به نظر تکراری و یا بی‌فایده برای مخاطب فارسی‌زبان بوده حذف و در برخی موارد نیز توضیح‌هایی درباره برخی ادعاهای نویسنده اثر به صورت پی‌نوشت در ذیل همان صفحه آمده است که با علامت (م) مشخص و متمایز شده‌اند؛ اما روشن است که در خصوص کاستی‌ها و نقایص مربوط به ترجمه مسئولیت تام متوجه مترجمان است و لاغیر. امیدواریم خوانندگان گرامی و صاحب‌نظران گرانمایه با یادآوری اشکالات و نارسایی‌های ترجمه موجب اصلاح و ارتقای کیفیت اثر در چاپ‌های بعدی شوند. در اینجا، جا دارد از مدیریت محترم انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) که انتشار این اثر مرهون همکاری و حمایت ایشان است و همچنین از ارزیاب گرامی آن دانشگاه که نکات مفیدی را در خصوص برخی موارد یادآور شدند، تشکر و قدردانی نماییم.

علی اکبر کمالی اردکانی

سیدخدایار مرتضوی

شهریورماه ۱۴۰۲

مقدمه



در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰، رأی دهندگان الجزایری با انداختن آراء خود در صندوق انتخابات محلی در پی آغاز دوران جدیدی از مشارکت مردم سالارانه در الجزایر بودند. دولت تک حزبی الجزایر که به وسیله جبهه آزادی بخش ملی الجزایر (FLN یا Front de Libération Nationale) هدایت می شد، تحت فشارهای سخت مجبور شده بود که از مشارکت مردم سالارانه به عنوان راهی برای آرام کردن درخواست های عمومی از دولت، حمایت کند. هنگامی که آراء محاسبه شدند، حزب حاکم شوکه شده و از اخبار مبهوت شد. جبهه آزادی بخش ملی، حزب پیشگام تاریخی در ناسیونالیسم الجزایری، تنها ۲۸ درصد مجموع آراء را به دست آورده بود، در حالی که حزب بی تجربه و تازه سازمان یافته ای که با اعتقادهای اسلامی خود مشخص و متمایز شده بود، تقریباً دو برابر حزب حاکم و بیش از ۵۴ درصد آراء را کسب کرده بود. جبهه جدید، یعنی جبهه نجات اسلامی (FIS یا Front Islamique du Salu) از چالش بزرگی که علیه «قدرت» حاکم به وجود آورده بود، بهره می برد و رهبری معنوی و اخلاقی آن نیز به عنوان منبعی کلیدی از قدرت مردمی معرفی می شد. اگرچه دولت نتایج انتخابات محلی (شهرداری ها) را امری دارای پیامد اندک توصیف کرد؛ اما برگزاری اولین مرحله انتخابات مجلس ملی در سال بعد نشان داد که اسلام گراها بار دیگر حمایت مردمی و حدود نیمی از آراء مردم (۴۷ درصد) را به دست آورده اند. در این مرحله چالش اسلام گراها برای دولت به خوبی برای ارتش الجزایر آشکار شد، به طوری که ارتش دور دوم رأی گیری را متوقف کرده و جبهه نجات اسلامی (FIS) را با زور منحل کرد.

داستان تقریباً مشابهی دو دهه بعد در مصر رخ داد. بعد از آنکه حسنی مبارک، رئیس‌جمهور نظامی پرسابقه، در نتیجه اعتراض‌های انبوه مردمی در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ برکنار شد، اسلام‌گراها رهبری حرکت را برای پرکردن صحنه سیاسی کشور که برای انتخابات آزاد مردم سالارانه آماده می‌شد، در دست گرفتند. جمعیت اخوان المسلمین مصر هواداران خود را تشویق کرد که به حزب جدید خود «آزادی و عدالت» (Freedom and Justice Party یا FJP) رأی بدهند و باعث پیروزی این حزب هم در انتخابات مجلس در ژانویه ۲۰۱۲ و هم در انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن همان سال شدند. محمد مرسی یکی از اعضاء سابق اخوان المسلمین و نماینده سابق مجلس مصر، نخستین رئیس‌جمهور منتخب با شیوه مردم سالارانه مصر شد. دیگر احزاب سیاسی اسلام‌گرا، نظیر حزب دارای گرایش‌های سلفی «النور» نیز در انتخاباتی که در شرایط آزاد برگزار شد، موفقیت شگفت‌انگیزی به دست آوردند و در مجموع همه اسلام‌گراها عملکرد بهتری از رقبای سیاسی سکولار خود داشتند؛ با این حال، مانند الجزایر، پیروزی‌های انتخاباتی اسلام‌گراها کوتاه مدت بود. مجلس جدیدی که گرایش‌های غالب اسلام‌گرایانه داشت، در طی ۶ ماه بعد از انتخاب آن، به دستور دادگاه منحل شد و نظامیان، محمد مرسی را در جریان جنبش اجتماعی گسترده و درگیری‌های روزافزون در جولای ۲۰۱۳ برکنار کردند.

پیروزی انتخاباتی اسلام‌گرایان الجزایری و تصمیم به برکناری آن‌ها از راه نظامی، سیاست الجزایری را در سراسر دهه ۱۹۹۰ شکل داد. خیزش انتخاباتی توده‌ای، به سرعت توسط حزب اسلام‌گرا تبدیل به تظاهرات توده‌ها علیه دولت شد. به هر میزان که تظاهرات سیاسی جبهه نجات اسلامی با زور سرکوب می‌شد، تظاهرکنندگان نیز به طور فزاینده‌ای به خشونت روی می‌آوردند. به موازات اینکه برخوردها بیشتر می‌شد منازعه نیز عمیق‌تر می‌گشت و گروه‌های اسلام‌گرا مانند انقلابیون فعالانه بسیج شده و از تاکتیک‌های چریکی استفاده می‌کردند. قبل از دهه ۱۹۹۰ اسلام‌گراها در حاشیه سیاست‌های الجزایری بودند؛ اما در میانه دهه ۱۹۹۰ آن‌ها درگیر جنگ شهری مهیبی شدند که ادعا می‌شود بیش از ۱۰۰ هزار کشته تا پایان دهه بر جای گذاشت.

پس از برکناری رئیس‌جمهور مرسی در سال ۲۰۱۳، ارتش مصر و سازمان‌های امنیتی

دولتی، حرکتی خشونت‌آمیز را علیه سازمان اخوان المسلمین شروع کردند تا آنجایی که توانستند رهبران در دسترس سازمان را زندانی کرده و همچنین تعداد زیادی از معترضان اخوانی را در حادثه شوم میدان رابعه قاهره قتل عام نمودند. علی‌رغم پیروزی در دو انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، دولت با مصادره اموال اخوان، آن را سازمانی تروریستی اعلام کرد و عضویت در این سازمان اجتماعی با سابقه و پرشور را تخلف از قانون مصر قلمداد کرد. در اوایل سال ۲۰۱۵ محمد مرسی رئیس‌جمهور سابق و محمد بدیع رهبر اخوان المسلمین مصر توسط دادگاه به مرگ محکوم شدند. خشونت در مصر افزایش یافت و اگرچه اخوان به‌طور رسمی خشونت سیاسی را رد می‌کرد؛ اما از سوی تعدادی از گروه‌های مدعی اسلام‌گرایی، خشونت‌هایی در سراسر مصر رخ داد.

داستان غم‌انگیز سیاست‌های الجزایری در دهه ۱۹۹۰، همچنین سیاست‌های مصری در آستانه خیزش عربی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ چندین معما را در ارتباط با خیزش فعالان مذهبی در جهان اسلام، برجسته می‌سازد: اول، چرا این کشورها در مقایسه با دهه‌های قبلی شاهد افزایش گسترده خیزش اسلام‌گراها بودند؟ به عبارت دیگر، چرا این خیزش‌های سیاسی سریع، پیرامون هویت مسلمانی و شریعت «اسلامی» می‌چرخیدند، در حالی که قبلاً موضوع‌های دیگری سیاست‌ها را مشخص می‌کرد؟ دوم، چرا این خیزش اسلام‌گرای توده‌ای در الجزایر و مصر اتفاق افتاد، در حالی که با همان شدت در کشورهای همسایه اتفاق نیفتاد؟ از بسیاری جهات، تونس و مراکش دارای تاریخ، فرهنگ و بافت جمعیتی مشابه با الجزایر هستند؛ اما شاهد هیچ خیزش اسلام‌گرای برجسته آشکار انتخاباتی، اعتراضی یا خشونت‌آمیز در این کشورها نبودیم با آنچه که در الجزایر اتفاق افتاده قابل مقایسه باشد. تنها اخیراً برخی خیزش‌های انتخاباتی احزاب اسلام‌گرا در این کشورها اتفاق افتاده است. به همین ترتیب، در حالی که اخوان المسلمین مدعی پیروزی‌های انتخاباتی برجسته‌ای در مصر بودند، در انتخابات آزاد برپاشده در کشور همسایه لیبی، در ژوئای ۲۰۱۲ شکست خوردند. کشورهای شمال آفریقا، واقع در مرزهای جنوبی لیبی و الجزایر (موریتانی، مالی، نیجرو چاد) غالباً مسلمان هستند؛ اما چرا از لحاظ تاریخی، خیزش‌های سیاسی بسیار کمتری از سوی فعالان مذهبی تجربه کرده‌اند؟

سرانجام چه عواملی باعث می‌شوند که فعالان اسلام‌گرا نوع خیزش سیاسی مورد حمایت خود را (از رأی دادن به اعتراض و سپس به خشونت) تغییر دهند؟ خشونت بسیار کمی از سوی اسلام‌گراها در الجزایر قبل از سال ۱۹۹۲ روی داد؛ اما در طی چند سال ده‌ها هزار اسلام‌گرا، نظامی و شهروند عادی کشته شدند. میزان خشونتی که اسلام‌گراها در سراسر مصر گسترش خواهند داد، معلوم نیست؛ اما حملات متقابل فعالان اسلام‌گرا و نیروهای امنیتی دولتی به میزان قابل توجهی در پی برکناری رئیس‌جمهور مرسی افزایش یافت. تحت چه شرایطی فعالیت انتخاباتی به نفع یک حزب اسلام‌گرا به اقدامی خشونت‌آمیز از طرف یک جنبش اسلام‌گرا تبدیل می‌شود؟

اگرچه هر یک از این سؤال‌ها، معمای برجسته‌ای را در نمونه‌های الجزایر و مصر مشخص می‌کند، آن‌ها همچنین معماهای اصلی برای تبیین تنوع و تغییر در خیزش‌های اسلام‌گرا در سراسر جهان اسلام هستند. امروزه تعدادی از کشورهای جمعیت مسلمان عمده‌ای دارند، انتخابات رقابتی برگزار می‌کنند که در آن احزابی که نوع و گرایش خودشان را «انتخاب اسلامی» قلمداد می‌کنند با دیگر انواع احزاب به رقابت می‌پردازند. انتخابات در تونس و مراکش، احزاب اسلام‌گرا را در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به قدرت رساند. عراق نیز از سال ۲۰۰۵ که انتخابات آزاد شروع شده، تحت رهبری احزاب سیاسی اسلام‌گرا قرار گرفت. از اوایل دهه ۱۹۷۰ احزابی که در ترکیه در چهارچوبی با گرایش مذهبی فعالیت و رقابت می‌کنند، درجه‌های گوناگونی از موفقیت را به دست آورده‌اند. حزب اسلام‌گرای رفاه در اواسط دهه ۱۹۹۰، از گمنامی خارج شده و تبدیل به بزرگ‌ترین حزب مجلس شد و در نتیجه نخست‌وزیر اسلام‌گرایی را در کشوری با قانون اساسی صریحاً سکولار روی کار آورد. یکی از جانشینان آن، حزب عدالت و توسعه (AKP) از سال ۲۰۰۲ بر انتخابات ترکیه مسلط شده است؛ همچنین، انتخابات سال ۲۰۰۲ پاکستان نشان‌دهنده افزایش موفقیت ائتلاف انتخاباتی اسلام‌گرا به رهبری جماعت اسلامی بود، در حالی که در انتخابات قبلی موفقیت محدودی داشتند. همین‌طور، احزاب اسلام‌گرا در مالزی و اندونزی نیز مقداری موفقیت در انتخابات متعدد داشته‌اند که به دهه ۱۹۵۰ در مالزی و دهه ۱۹۷۰ در اندونزی بازمی‌گردد.

علاوه بر تجربه احزاب سیاسی اسلام‌گرا، همچنین در مناطق مختلفی از دنیا طیف وسیعی از تجربه اعتراض‌ها و خشونت‌های اسلام‌گرا مشاهده شده است. جمهوری‌های آسیای مرکزی، پس از فروپاشی شوروی، خیزش‌های اسلام‌گرای متنوعی را در عرصه سیاسی خود از زمان استقلال در دهه ۱۹۹۰ تجربه کرده‌اند. فعالان اسلام‌گرا نقش اساسی در سال‌های اولیه استقلال تاجیکستان داشتند، ائتلاف برجسته انتخاباتی ضدکمونیستی آن‌ها نیز در سال ۱۹۹۱، هدایت اعتراض‌های انقلابی علیه رهبری کمونیست‌های تاجیکستان را برعهده داشت. رقابت‌های خشونت‌آمیز به سرعت به جنگ داخلی منجر شد و باعث کشته شدن حدود ۵۰ هزار نفر بین ژوئن ۱۹۹۲ و ژانویه ۱۹۹۳ شد.^۱ همچنین، در مقیاس کوچک‌تر، اسلام‌گراها چالش مهمی برای دولت ازبکستان ایجاد کردند. فعالان اسلام‌گرای ازبک تحت پرچم حزب فراملی نوزایی اسلامی، تهدید امنیتی بزرگی محسوب می‌شدند تا جایی که دولت با دستگیری‌های گسترده و سرکوبگری خشونت‌بار با آن‌ها مقابله کرد. در مقایسه با تاجیکستان و ازبکستان، دیگر کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان) خیزش بسیار کمتری با انگیزه‌های سیاسی اسلام‌گرا داشتند. این امر هم در حکومت به شدت سرکوبگر ترکمنستان و هم در مقایسه با آن، در کشور بالنسبه آزادتر قرقیزستان مصداق می‌یابد.

در کشورهای غرب آفریقا که دارای جمعیت مسلمان زیادی هستند، در مقایسه با کشورهای عرب مسلمان، در قرن بیستم خیزش‌های اسلام‌گرای رسمی کمتری دیده می‌شود که حاکی از تفاوت‌های مهم این خیزش‌ها در سراسر این مناطق است. حتی در داخل منطقه غرب آفریقا، کشورهایی با ترکیب مذهبی مشابه، تجربه‌هایی کاملاً متفاوت از خیزش‌های مذهبی دارند تا آنجا که اعتراض‌ها و خشونت‌هایی که همراه با مجادله بر سر قوانین اسلامی در شمال نیجریه روی داد و باعث پیدایش جنبش اسلام‌گرای به شدت ستیزه‌جوی بوکو حرام شد، تا حد زیادی در کشورهای همسایه، با جمعیت مسلمان مشابه دیده نشد. علی‌رغم مباحث مبهمی که در خصوص نقش قوانین و مقررات اسلامی پس از استقلال نیجریه وجود داشت، خیزش حامی قوانین اسلامی برای دهه‌ها بی‌صدا یا غایب بود؛ اما چرا این جنبش در دهه ۱۹۹۰ دوباره پدیدار گشت و چرا